



۲۰۱۶/۰۹/۰۱



ولی احمد نوری

سوخته لاله زار من رفته گل از کنار من

عزیزان صاحب قلم و صاحب فرهنگ و نویسندگان صاحب شرف و اخلاق نویسندگی، به شما عرض سلام و ارادت دارم.

دل که با صدا و آهنگ آسمانی سرتاج محمد حسین سرآهنگ تهیه گردیده و نخست (آریانا افغانستان آنلاین) وبسایت واقع شده باشد. از همکار گرانقدرم که سپین غر تشکر و سپاس دارم. (سوخته لاله زار من، رفته گل از کنار بزرگ بیدل گرفته شده و در آن راز است که در پایان به عرض شما می عشق را با هم بخوانیم:



امیدوارم این شعر حضرت بیدل صاحب موسیقی افغانستان عزیز زنده یاد استاد برای فرحت شما عزیزان در صفحه خود شما گذاشته شده، طرف پسند تان این آرزوی مرا جامه عمل پوشانیده یک این شعر آسمانی حضرت بیدل که (من) نام دارد از بخش غزلیات دیوان محبت و احترام کسی به کسی نهان شده رسانم. فعلاً بیائید که این لاله های آتش

** * **

بی تو نه رنگم و نه بو، ای قدمت بهار من
کز ره دور می رسد، سرو چمن سوار من
آینه موج گل زند، تا ابد از غبار من
باغ حناست هر کجا خون چکد از شکار من
راه عدم سپید کرد شش جهت انتظار من
گرد نفس نمی کند، هستی من زعار من
سوختنم همان بجاست، ناله نکرد کار من
نم نگذاشت در جبین، گریه شرمسار من
بنده حیرتم که کرد آینه ات دچار من
تا من و تو اثر نواست نغمه توست تار من

سوخته لاله زار من رفته گل از کنار من
دوش نسیم مژده ای گل به سر امید زد
گر به تبسمی رسد صبح بهار وعده ات
گر همه زخم خورده ام گل ز کف تو برده ام
فرصت دیگرم کجاست تا کنم آرزوی وصل
عکس تحیر آب رنگ منفعل است از آینه
آه سپند حسرتم گرمی مجرمی ندید
کاش به وامی از عرق، حق وفا ادا شود
خاک تپیدنم که بُرد گرد مرا به کوی تو
ظاهر و باطن دگر نیست به ساز این نشاط

گر به سپهرم التجاست ورمه و مهرم آشناست

(بیدل) بیکیس تو ام غیر تو کیست یار من

قصه ظهور این آهنگ ملکوتی چنین است: بعد از کودتای ۲۶ سرطان و فروپاشی سلطنت دو صد ساله افغانستان و ایجاد ترس و وحشت در جامعه، استاد سرآهنگ بزرگ که خواننده با مقام دربار شاهی و یکی از آواز خوانان طرف پسند پادشاه افغانستان و مورد تفقد اعلیحضرت محمد ظاهرشاه بود، غیابت شاه مهربان و فرهنگ دوست و مخصوصاً «راگ شناس و علاقه مند موسیقی کلاسیک» افغانستان و هند، مسرت و شادی استاد سرآهنگ را از وی گرفته بود و در عالم غم و اندوه و پژمردگی غرق شده بود.

چندی بعد در کابل آوازه ها پخش شد که اعلیحضرت پادشاه افغانستان برمیگردد و سلطنت دوباره اعاده می شود و نظام ترس و کنترل و سانسور مطبوعات و دیگر تشویشات اجتماعی رفع می گردد.

در همین آوان بود که سرآهنگ این شعر حضرت بیدل را انتخاب و با یک راگ زیبای "هوری" (۱) با یک عالم دعا و پناه و آرزو و ترس و امید و اضطراب خواند که طرف پسند همه خوانندگانش واقع شد. این آهنگ زیبا تنها مهمان همه خانه های افغان ها در سراسر کشور نگردید بلکه سرحدات افغانستان را هم نیز عبور نمود و دوستداران شعر و موسیقی را در ایران و تاجکستان هم شاد و مسرت بخشید.

در زمان جمهوریت سردار محمد داوود خان مرحوم کسی به وی اذیتی نرساند اما در زمان نظام کمونیستی خلق و پرچم او را آرام نگذاشتند و به انواع مختلف و با تهدید زندان و مرگ از او یک مخالف پادشاه و خانواده اش ساختند و مرتکب این بد جنسی و خیانت شدند که در زمان ببرک کارمل ملعون حتی مجبورش ساختند تا برای نظام کمونیستی و مارکسیستی خلق و پرچم بخواند و بنوازد که این کار سرآهنگ مرحوم بر تنزل مقام هموطنی اش خسارات جبران ناپذیر وارد نمود البته مقام ملکوتی موسیقی وی همیشه در دل تاریخ موسیقی افغانستان و مردم آن زنده و جاوید است و خواهد بود.

پایان

۱- راگ "هوری" که اودرزاده نزدیک راگ "دادرس" است و اکثر خواندن های محلی و آهنگ های "تمری" افغانستان و خاصاً آهنگ های "کلیوالی" با آن کمپوز شده است.